

وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار استان مازندران

حسین نازکتبار*، رضا ویسی**

طرح مسأله: بی‌گمان، وضعیت فعلی زنان سرپرست خانوار در کشور تابع عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و رفاهی متعددی است. پژوهش حاضر با توجه به اهمیت نقش زنان سرپرست خانوار در جامعه به بررسی مسائل و مشکلات زنان سرپرست خانوار استان مازندران به منظور ارائه راهکارهایی در جهت کاهش مشکلات آنها در جامعه، پرداخته است.

روش: روش تحقیق حاضر، پیمایشی بوده و جامعه آماری آن را زنان سرپرست خانوار استان مازندران، تشکیل می‌دهند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۲۷۹۲ نفر تعیین شده است. با بهره‌گیری از آزمون‌های آماری تحلیل عاملی تأییدی و نیز آزمون ناپارامتری فریدمن، دسته‌بندی از عوامل تأثیرگذار بر وضعیت زنان سرپرست خانوار، ارائه شده است.

یافته‌ها: آزمون تحلیل عاملی و آزمون فریدمن، حاکی از آن است که به ترتیب اولویت، عامل وضعیت اجتماعی، فرهنگی و آموزشی با ۱۹/۱۶، عامل وضعیت اقتصادی (اشتغال) با ۱۴/۷۲، عامل خودباوری - خوداتکایی (کارآفرینی) با ۱۳/۰۶ و عامل وضعیت رفاهی با ۱۲/۴۶ درصد، از جمله عوامل تأثیرگذار بر وضعیت زنان سرپرست خانوار استان مازندران بوده‌اند.

نتایج: مسائل اجتماعی، فرهنگی و آموزشی زنان سرپرست خانوار به لحاظ اهمیت موضوع، در صدر تمامی مسائل و مشکلات زنان سرپرست خانوار قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: زنان سرپرست خانوار، کارآفرینی، وضعیت آموزشی، وضعیت اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و رفاهی

تاریخ پذیرش: ۸۷/۳/۵

تاریخ دریافت: ۸۶/۹/۲

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور مرکز ساری <hntabar@yahoo.com>
** کارشناس ارشد توسعه روستایی، مدرس دانشگاه پیام نور

مقدمه

زنان سرپرست خانوار^۱ از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماع هستند که گاه عواملی چون طلاق، فوت، اعتیاد همسر، ازکارافتادگی او، رها شدن توسط مردان مهاجر و یا بی‌مبالات، موجب آسیب‌پذیرتر شدن این طیف وسیع از جامعه می‌شود. براساس آمارهای رسمی کشور، امروزه زنان، سرپرستی ۹/۴ درصد خانوارهای ایرانی را به عهده دارند (غفاری، ۱۳۸۲: ۶). درآمد کمتر زنان سرپرست خانوار، موجب فقر نسبی آنان نسبت به مردان سرپرست خانوار شده است، به طوری که ۲۹ درصد خانوارهای دهک اول اقتصادی را خانوارهای بی‌سرپرست یا زن سرپرست تشکیل می‌دهند (مدنی، ۱۳۸۱: ۱۱).

متأسفانه در جامعه کنونی ما، زندگی زنان پس از ترک شوهر (به دلیل فوت، طلاق و ...) غالباً با ابهامات و مخاطراتی روبروست؛ از جمله سرپرستی فرزندان به تنهایی و گاه به سختی، مشکلات اقتصادی، زندگی در تنهایی و همراه با افسردگی و ناامیدی، هم‌چنین نگرش غلط جامعه نسبت به زنان مطلقه و بیوه در فقدان همسران‌شان، آنان را در روابط اجتماعی و حضور در اجتماع با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌کند. از این رو، پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارت است از این‌که «دسته‌بندی و اولویت‌بندی پارامترهای جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، اقتصادی و رفاهی به عنوان مسائل و مشکلات زنان سرپرست خانوار استان مازندران چگونه است؟» و دیگر، این‌که «چه راهکارهایی را می‌توان جهت رویارویی زنان سرپرست خانوار استان مازندران، با مسائل و مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پیش‌رو؛ ارائه داد؟».

(۱) پیشینه مطالعه

«بررسی وضعیت زنان بیوه و بی‌سرپرست شهرستان اردبیل و ارزیابی عملکرد ادارات و ارگان‌ها ذیربط در ارائه خدمات به آن‌ها» عنوان طرح پژوهشی است که توسط اعظم باقر

1. Women-headed Households

زارع و همکارانش در سال ۷۶-۱۳۷۵ انجام شده است. براساس نتایج این تحقیق، مشکلات اجتماعی و رفاهی زنان بی سرپرست. میزان ارتکاب به جرائم و میزان برخورداری از خدمات افرادی، رفاهی (سازمان‌های تحت پوشش قراردهنده) مورد مطالعه قرار گرفته و پیشنهادها و راهکارهایی به منظور بهبود بخشیدن زندگی زنان بیوه و سرپرست خانوار و جلوگیری از آسیب‌پذیری اجتماعی آن‌ها ارائه گردیده است. (باقر زارع، ۱۳۷۶)

نتایج پژوهشی در سال ۱۳۸۱ توسط فاطمه رضایی با عنوان «بررسی مشکلات اقتصادی، اجتماعی خانواده‌های زن سرپرست تحت پوشش اداره بهزیستی شهرستان خمین» بیان‌گر این موضوع است که ۹۶ درصد از زنان سرپرست خانوار، دارای تحصیلات پایین هستند؛ ۵۰ درصد زنان دارای مشاغل پایین هستند؛ ۳۴ درصد زنان مورد مطالعه مشاغل نیمه مهم دارند و ۱۶ درصد غیرشاغل‌اند؛ ۶۴ درصد آن‌ها دارای درآمد پایین‌اند و ۲۴ درصد، فاقد درآمد هستند. ۸۰ درصد خانواده‌های زن سرپرست دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی متوسط و پایین هستند. در ۳۲ درصد موارد فوت شوهر، ۲۲ درصد مورد بیماری و ازکارافتادگی، ۱۸ درصد زندانی بودن شوهر، ۱۲ درصد طلاق و ۱۶ درصد سایر موارد علت سرپرستی زن می‌باشد (رضایی، ۱۳۸۰).

نتایج طرح «بررسی آسیب‌های روانی - اجتماعی زنان سرپرست خانواده» توسط زهره خسروی در سال ۱۳۸۰ نشان می‌دهد که عمده‌ترین مشکلات زنان سرپرست خانواده، در قالب مشکلات اقتصادی، عدم آگاهی برای اداره امور اقتصادی خانوادگی، نگرش‌های منفی اجتماعی نسبت به زن سرپرست خانواده، نگرانی نسبت به آینده فرزندان و تعدد تعارض نقش اظهار می‌شود (خسروی، ۱۳۸۰).

نتایج به‌دست آمده از تحقیق «بررسی میزان موفقیت طرح‌های خودکفایی و اشتغال‌زایی کمیته امداد امام خمینی (ره) در ایجاد و تقویت فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان سرپرست خانوار استان سمنان» توسط قدرت‌الله دوست محمدی طی سال‌های ۸۲-۱۳۸۱ عبارت است از:

الف) برگزاری کارگاه‌های آموزشی و تولیدی و ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از

سوی کمیته امداد در ایجاد و تقویت فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان سرپرست خانوار، موثر بوده است؛

ب) اعطای وام برای تأمین فضای خودکفایی در ایجاد و تقویت فرصت‌های شغلی برای زنان سرپرست خانوار مؤثر بوده است (دوست‌محمدی، ۱۳۸۲).

۲) چارچوب نظری

۲-۱) مفهوم زنان سرپرست خانوار

از نظر جامعه‌شناسان، عبارت «سرپرست خانواده»، یک اصطلاح توصیفی است و سرپرست خانواده به کسی اطلاق می‌شود که قدرت قابل ملاحظه‌ای در مقایسه با سایر اعضای خانواده دارد، معمولاً مسن‌ترین فرد خانواده است و مسئولیت‌های اقتصادی خانواده به عهده وی می‌باشد (Bianon, 1999:16).

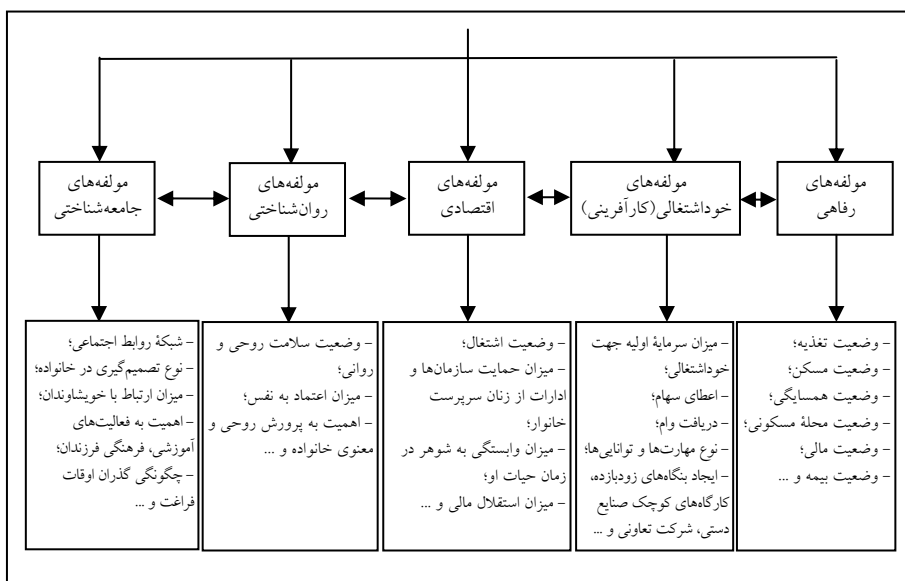
بر مبنای تعریف سازمان بهزیستی، زنان سرپرست خانوار، زنانی هستند که عهده‌دار تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار می‌باشند (خسروی، ۱۳۸۰: ۲۵). در یک دسته‌بندی، خانوارهای دارای سرپرست زن به چند گروه عمده تقسیم شده‌اند: گروه اول، خانوارهایی هستند که در آن‌ها، مرد به طور دائمی حضور ندارد و زنان به دلیل فوت همسر یا طلاق، بیوه شده‌اند یا دخترانی که ازدواج نکرده و تنها زندگی می‌کنند و سرپرستی خانواده را عهده‌دار می‌شوند؛ گروه دوم، خانوارهایی را شامل می‌شوند که مرد به طور موقت و به دلیل مهاجرت، مفقودالایر بودن، متواری یا زندانی، سرباز بودن و ... غایب است و زنان مجبورند به تهیه معاش زندگی خود و احیاناً فرزندان‌شان بپردازند؛ گروه سوم، خانوارهایی هستند که مرد در آن‌ها حضور دارد اما به دلیل بیکاری، ازکارافتادگی، اعتیاد، سرباز بودن و ... نقشی در امرار معاش ندارد و زنان، عملاً مسئولیت زندگی خود و احیاناً فرزندان‌شان را عهده‌دار می‌شوند (Chant, 1997:25).

۲-۲) دیدگاه‌های نظری مرتبط با زنان سرپرست خانوار

در حوزه روان‌شناسی، آدامز، سبیل، سومر و دیگر روان‌شناسان، معتقدند که زنان سرپرست خانوار با تقبل نقش‌های متفاوت در برابر یک سری از مسائل و مشکلاتی نظیر استرس و اضطراب، بیماری‌های روانی و افسردگی قرار گرفته و بنابراین، وضعیت اعتماد به نفس و سلامت روحی و روانی آن‌ها مورد خدشه واقع می‌گردد (Bianon, 1999: 16).

در حوزه جامعه‌شناسی، زنان سرپرست خانوار با مسائل و مشکلاتی نظیر عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی مناسب، سطوح پائین‌تر تحصیلات در بین زنان و فرزندان‌شان، افزایش بزهکاری فرزندان و فقر در ابعاد مختلف روبرو هستند (Mc Coven, 1990: 78). بنابراین در شبکه خویشاوندی و ارتباط با اقوام و آشنایان و در عین حال، چگونگی گذران اوقات فراغت آن‌ها، خلل‌های جبران‌ناپذیری به وجود می‌آید (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۱۳۶). طرفداران نظریه طبقاتی نیز، اولاً آسیب‌پذیری و فقر زنان سرپرست خانوار را پدیده‌ای عمومی می‌دانند؛ ثانیاً علت اصلی آن را به نظام اقتصادی نابرابر یعنی سرمایه‌داری نسبت می‌دهند (Langlois, 1994: 23). از سوی دیگر با توجه به دیدگاه اقتصادی، وضعیت اشتغال زنان بعد از فوت شوهر به دلیل وابستگی به او در زمان حیات و عدم حمایت سازمان‌ها از وی دچار مشکلات عدیده‌ای می‌گردد. در این ارتباط، موضوع خوداشتغالی و کارآفرینی مطرح می‌گردد که زنان سرپرست خانوار می‌توانند با آموزش مهارت‌ها و در نتیجه افزایش توانایی‌ها و دریافت وام و اعطای سهام به آن‌ها از سوی سازمان‌ها، به نوعی مورد حمایت قرار گرفته و خودکفا گردند. در مجموع با عنایت به مبانی نظری موجود در زمینه مسائل و مشکلات زنان سرپرست خانوار، می‌توان با ارائه الگوی نظری مناسب (شکل شماره ۱)، مسائل این گروه را تحت تاثیر عواملی چند فرض کرد.

شکل ۱: مدل نظری پژوهش: عوامل و مولفه‌های موثر بر وضعیت زنان سرپرست خانوار



۲-۳) تعاریف مفهومی متغیرهای پژوهش

۲-۳-۱) زنان سرپرست خانوار

زنان سرپرست خانواده، زنانی هستند که بدون حضور منظم یا حمایت یک مرد بزرگسال، سرپرستی خانواده را به عهده دارند.

۲-۳-۲) خوداشتغالی و کارآفرینی

کارآفرینی، یک نوع کنش انسانی است که در عرصه کار و فعالیت اقتصادی، متبلور می‌شود. با وجود این، اقتصاددانان به این امر اذعان دارند که کارآفرینی، پدیده‌ای

فرااقتصادی است. بدان معنا که برخی از پدیده‌ها که تاثیر عمیقی بر اقتصاد دارند، در اساس، دارای ماهیت اقتصادی نیستند (Drucker, 1993:19).

۲-۳-۳ وضعیت اقتصادی

وضعیت درآمد، وضعیت مسکن، وضعیت شغلی و ... در بازار اقتصادی، شاخص‌هایی هستند که وضعیت اقتصادی را دربرمی‌گیرند (Drucker, 1993:19).

۲-۳-۴ مولفه‌های جامعه‌شناختی

مولفه‌های جامعه‌شناختی، عواملی هستند که در ارتباط با وضعیت و جایگاه اجتماعی و فرهنگی افراد یک جامعه مطرح شده و از ابعاد مختلف، مورد کنکاش و مطالعه قرار می‌گیرند (Drucker, 1993:19).

۲-۳-۵ مولفه‌های روان‌شناختی

مولفه‌های روان‌شناختی، عواملی هستند که در ارتباط با وضعیت و جایگاه روحی و روانی تک تک افراد و آحاد یک جامعه مطرح شده و به لحاظ شخصیتی مورد تحلیل قرار می‌گیرند (Drucker, 1993:19).

۲-۳-۶ وضعیت رفاهی

معمولاً به وضعیتی که فرد به لحاظ شرایط زندگی در آن موقعیت قرار گرفته و در حال گذران روزگار خویش می‌باشد، وضعیت رفاهی گویند (Drucker, 1993:19).

۳ روش تحقیق

۳-۱ نوع مطالعه

از آن‌جا که پژوهش حاضر درصدد کشف داده‌ها و یا اطلاعاتی است که از طریق آن‌ها

می‌توان، متغیرها را مورد توصیف و تبیین قرار داد، بنابراین از لحاظ ماهیت، غیرتجربی و به لحاظ روش، پیمایشی و از نوع تحقیقات اکتشافی - توصیفی است.

۳-۲) جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، زنان سرپرست خانوار ساکن استان مازندران می‌باشند که تعداد آن‌ها به ۳۰ هزار نفر بالغ می‌گردد. حجم نمونه با توجه به تعداد زنان سرپرست خانوار در استان و از طریق فرمول کوکران، ۲۷۹۲ نفر تعیین شده است. تعداد زنان سرپرست خانوار در هر ۱۶ شهرستان استان مازندران، به صورت نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده (تعیین شده و سپس تعداد زنان پاسخ‌گو نیز با توجه به فهرست زنان سرپرست خانوار، به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده است.

۳-۳) ابزار مطالعه

ابزار جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز تحقیق، پرسش‌نامه ساخته شده بر اساس مقیاس لیکرت، حاوی اطلاعات مربوط به متغیرهای زمینه‌ای و اطلاعات مرتبط با شاخص‌های تعریف شده برای متغیرهای مورد توجه در پرسش‌های اصلی تحقیق بوده است. به منظور محاسبه پایایی^۱ ابزار تحقیق، ابتدا پرسش‌نامه‌های پژوهش بر روی یک گروه ۲۵ نفری انجام گردید و سپس از طریق آلفای کرونباخ، ضریب همسانی درونی گویه‌های مربوط به مقیاس‌های مختلف پرسش‌نامه محاسبه شد که به تفکیک مولفه‌های جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، وضعیت رفاهی، وضعیت اقتصادی و خوداشتغالی (کارآفرینی) برابر با ۰/۸۲/۸۵، ۰/۸۱، ۰/۸۰ و ۰/۷۵ به دست آمد. همچنین، جهت تعیین روایی^۲ ابزار پژوهش، از روش روایی محتوایی و مشاوره اساتید، صاحب‌نظران و محققین در زمینه مسائل اجتماعی و فرهنگی که در این زمینه آگاهی داشتند استفاده شده و در ادامه، پس از

1. Reliability
2. Validity

تأیید پرسش‌نامه توسط متخصصین مورد نظر، پرسش‌نامه‌ها در میان نمونه آماری تحقیق، تکمیل گردیدند.

۳-۴) تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

در تعریف عملیاتی از خانواده‌های دارای سرپرست زن، در این مطالعه به خانوارهایی اطلاق می‌شود که در آن مرد به طور دائمی حضور ندارد و زنان به دلیل فوت همسر، طلاق، مهاجرت، مفقودالایر بودن، زندانی شدن، از کارافتادگی و اعتیاد همسر سرپرستی خانواده را بر عهده داشته‌اند.

در تعریف عملیاتی از کارآفرینی و خوداشتغالی، میزان فراهم کردن ابزار تولید به منظور خوداشتغالی، توان سرمایه اولیه جهت خوداشتغالی، نقش بنگاه‌های زودبازده در خوداشتغالی زنان، کارگاه‌های کوچک صنایع دستی در خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار، ایجاد شرکت تعاونی در خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار، نقش وام صندوق مهر امام رضا (ع) در خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار، نقش اعطای سهام نظیر سهام عدالت در خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار، نوع مهارت‌ها و توانایی‌ها در زمینه ایجاد اشتغال و نیز میزان توان مالی جهت خوداشتغالی، شاخص‌های سنجش خوداشتغالی و کارآفرینی در پژوهش حاضر نام گرفته‌اند.

میزان استقلال مالی، وضعیت اشتغال، میزان حمایت سیاست‌های مدون و کارآمد دولت در جهت حمایت از اشتغال، میزان اهمیت به اشتغال فرزندان، وابستگی اقتصادی به شوهر در زمان حیات او، همکاری با موسسات خیریه مردمی جهت اشتغال‌زایی، میزان حمایت سازمان‌ها و ادارات، اشتغال در بخش غیررسمی بدون هیچ نوع حمایت قانونی، و میزان اشتغال‌زایی در قالب گروه‌های همیار، مولفه‌هایی هستند که وضعیت اقتصادی را در پژوهش حاضر می‌سنجند.

تعریف عملیاتی عوامل اجتماعی، فرهنگی و آموزشی به عنوان مولفه‌های جامعه‌شناختی در این پژوهش عبارت است از: میزان تبعیت اعضا خانواده از زنان

سرپرست خانوار، قدرت تصمیم‌گیری در امور مربوط به فرزندان و خانواده، نوع تصمیم‌گیری، رفتن به سینما، تئاتر و پارک و شرکت در کلاس‌های هنری به عنوان گذران اوقات فراغت، دیدار اقوام و دوستان در اوقات فراغت و کار با کامپیوتر و اینترنت در اوقات فراغت، مطالعه کردن در اوقات فراغت و رفتن به انجمن‌ها و گردهمایی‌ها در اوقات فراغت، وجود نابرابری در فرصت‌ها بین زن و مرد، میزان اهمیت به شرکت فرزندان در کلاس‌های آموزشی و ادامه تحصیل فرزندان، میزان درک اقوام و خویشاوندان نسبت به مسائل آن‌ها و عدم دسترسی به منابع مالی و صاحبان قدرت، شبکه روابط اجتماعی بسیار محدود.

عوامل و مولفه‌های مرتبط با وضعیت رفتاری، در این پژوهش، شامل وضعیت سلامت روحی و روانی، میزان اعتماد به نفس، اهمیت به پرورش روحی و معنوی خانواده و ... به عنوان معرف‌های بعد روان‌شناختی در نظر گرفته شده‌اند.

عوامل و مولفه‌هایی مانند وضعیت تغذیه، وضعیت مالی، وضعیت همسایگی، وضعیت محله مسکونی، تحت پوشش بیمه قرار داشتن و نوع بیمه حمایتی، شاخص‌های تعریف عملیاتی وضعیت رفاهی را در این پژوهش، مورد سنجش قرار داده‌اند.

۳-۵) تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری تحلیل عاملی تأییدی (به منظور دسته‌بندی جدید از متغیرها) و نیز آزمون ناپارامتری فریدمن (به منظور رتبه‌بندی مسایل و مشکلات زنان سرپرست خانوار) استفاده شده است.

۴) یافته‌ها

معمولاً در تحقیقات اجتماعی و اقتصادی به دلیل ماهیت کار و مقیاس متغیرهای مورد سنجش، با حجم زیادی از متغیرها (گویه‌ها) روبه‌رو هستیم. از طرفی محقق برای تحلیل بهتر و دقیق‌تر داده‌ها و رسیدن به نتایج علمی‌تر و در عین حال عملیاتی‌تر، به دنبال آن

است که از یک طرف حجم داده‌ها را کاهش دهد و از طرف دیگر ساختار جدیدی را برای داده‌های خود تشکیل دهد و براساس فضای مفهومی دیگری، غیر از آنچه خود در بخش چارچوب نظری در نظر گرفته است، به تحلیل داده‌ها و نتایج بپردازد. در این پژوهش با استفاده از آزمون تحلیل عامل تأییدی، از مجموع گویه‌ها، ۴ عامل ساخته شده است. جدول شماره ۱، ماتریس همبستگی گویه‌ها و عامل‌ها را بعد از چرخش نشان می‌دهد. این عامل‌ها به دلیل سنخیت ماهیت و مقدار بار عاملی شان در ۴ عامل یا مولفه با عنوان عامل‌های اول تا چهارم (به ترتیب اولویت، عامل وضعیت اجتماعی، فرهنگی و آموزشی با ۱۹/۱۶، عامل وضعیت اقتصادی (اشتغال) با ۱۴/۷۲، عامل خودباوری - خوداتکایی (کارآفرینی) با ۱۳/۰۶ و عامل وضعیت رفاهی با ۱۲/۴۶ درصد) توانسته‌اند در مجموع ۵۹/۴ درصد از واریانس و تغییرات مجموعه متغیرهای تأثیرگذار بر وضعیت زنان سرپرست خانوار استان مازندران را تعیین کنند، که به عنوان مسائل و مشکلات عمده زنان سرپرست خانوار در شکل شماره ۲ به صورت مدلی تجربی نمایش داده شده‌اند.

هم‌چنین به منظور اولویت‌بندی عوامل و مولفه‌های عمده تأثیرگذار بر مسایل و مشکلات زنان سرپرست خانوار، از آزمون ناپارامتری فریدمن استفاده گردیده است. نتایج حاکی از آن است که با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱، تفاوت آماری معنی‌داری بین هر یک از عوامل و مولفه‌های عمده تأثیرگذار بر مسایل و مشکلات زنان سرپرست خانوار وجود دارد. میانگین رتبه عامل اجتماعی، فرهنگی و آموزشی (۵/۱)، عامل وضعیت اقتصادی (۴/۹)، عامل خودباوری - خوداتکایی یا کارآفرینی (۳/۸) و عامل وضعیت رفاهی (۳/۱) به ترتیب اولویت، تأثیر و سهم قابل توجه عوامل و مولفه‌های فوق‌الذکر را بر وضعیت فعلی موجود زنان سرپرست خانوار استان، نشان می‌دهد.

جدول ۱: ماتریس همبستگی عامل‌ها بعد از چرخش

گویه‌ها	مولفه‌ها یا عوامل			عامل رفاهی
	عامل وضعیت اجتماعی، فرهنگی و آموزشی	عامل وضعیت اقتصادی (اشتغال)	عامل خودباوری - خودتکایی (کارآفرینی)	
میزان تبعیت اعضا خانواده از زنان سرپرست خانوار	۰/۸۴			
قدرت تصمیم‌گیری در امور مربوط به فرزندان و خانواده	۰/۶۸			
نوع تصمیم‌گیری	۰/۶۸			
شرکت در مراسم مذهبی	۰/۷۳			
رفت و آمد با همسایگان در اوقات فراغت	۰/۵۳			
رفتن به انجمن‌ها و گروه‌هایی در اوقات فراغت	۰/۷۵			
دیدار اقوام و دوستان در اوقات فراغت	۰/۶۱			
رفتن به پارک در اوقات فراغت	۰/۴۷			
مطالعه کردن در اوقات فراغت	۰/۶۸			
همکاری با موسسات خیریه مردمی جهت اشتغال‌زایی	۰/۶۸			
میزان اهمیت به شرکت فرزندان در کلاس‌های آموزشی	۰/۶۸			
میزان اهمیت به ادامه تحصیل فرزندان	۰/۵۰			
موانع فرهنگی بازدارنده اشتغال زنان سرپرست خانوار	۰/۵۱			
عدم دسترسی به منابع مالی و صاحبان قدرت	۰/۷۶			
میزان درک اقوام و خویشاوندان نسبت به مسائل آنها	۰/۶۶			
میزان استقلال مالی		۰/۵۵		
رفتن به سینما و تئاتر به عنوان گذران اوقات فراغت		۰/۴۸		
شرکت در کلاس‌های هنری		۰/۶۳		
میزان رضایت از وضعیت اشتغال		۰/۶۸		
نقش اعطای سهام نظیر سهام عدالت در خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار		۰/۷۰		
نقش وام صندوق مهر امام رضا (ع) در خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار		۰/۵۳		

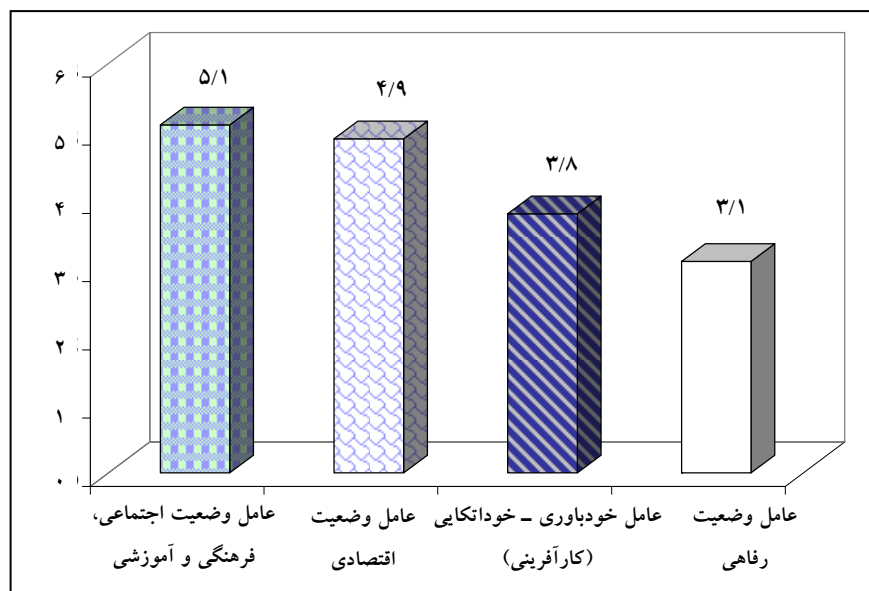
ادامه جدول ۱

ایجاد شرکت تعاونی در خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار	۰/۴۸		
کارگاه‌های کوچک صنایع دستی در خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار	۰/۴۱		
نقش بنگاه‌های زودبازده در خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار	۰/۴۴		
میزان اشتغال زایی در قالب گروه‌های همیار	۰/۴۸		
میزان ارتباط با ادارات و سازمان‌ها		۰/۶۶	
توان سرمایه اولیه جهت خوداشتغالی		۰/۵۷	
وابستگی اقتصادی به شوهر در زمان حیات او		۰/۷۰	
میزان فراهم کردن ابزار تولید برای خوداشتغالی		۰/۴۹	
اعتماد به نفس پایین		۰/۶۸	
بی‌اطلاعی از موارد حقوقی و قانونی		۰/۴۸	
وضعیت تغذیه			۰/۷۲
وضعیت سلامت جسمانی			۰/۸۳
وضعیت مالی			۰/۶۸
میزان حمایت سازمان‌ها و ادارات از زنان سرپرست خانوار			۰/۵۳
وجود نابرابری در فرصت‌ها بین زن و مرد			۰/۶۶
وضعیت همسایگی			۰/۵۶
اشتغال در بخش غیررسمی بدون هیچ نوع حمایت قانونی			۰/۶۹

شکل ۲: مدل تجربی عوامل و مولفه‌های موثر بر وضعیت زنان سرپرست خانوار



نمودار ۱: اولویت‌بندی مسائل و مشکلات عمده تأثیرگذار بر وضعیت کنونی زنان سرپرست خانوار استان



۵) بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در نتایج و یافته‌های تحقیق، ملاحظه گردید، مسائل اجتماعی، فرهنگی و آموزشی زنان سرپرست خانوار به لحاظ اهمیت موضوع، در صدر تمامی مسائل و مشکلات زنان سرپرست خانوار قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر به دلیل این‌که تحقیقات انجام شده در این زمینه محدود و همچنین به لحاظ غنای نظری و عملی، ضعیف بوده و از سطح توصیف فراتر نیستند و در عین حال پژوهش حاضر نیز غالباً ماهیت اکتشافی و توصیفی داشته است، لذا نمی‌توان در این بخش، آن‌چنان که باید و شاید درباره موضوع پژوهش (مشکلات و مسائل زنان سرپرست خانوار) تحلیل و بحث جامع و کاملی به عمل

آورد. با این حال، نتایج و یافته‌های دیگر تحقیقات انجام گرفته، از جمله پژوهش فاطمه رضایی با عنوان «بررسی مشکلات اقتصادی، اجتماعی خانواده‌های زن سرپرست تحت پوشش اداره بهزیستی شهرستان خمین» و «بررسی آسیب‌های روانی - اجتماعی زنان سرپرست خانواده» توسط زهره خسروی در سال ۱۳۸۰ نیز حاکی از آن است که بدون ایجاد بستر فرهنگی و اجتماعی مناسب در جامعه، هیچ‌گاه ما شاهد جامعه‌ای سالم و متعالی نخواهیم بود. بنابراین عنصر و مولفه آموزش از ابعاد مختلف (تئوری و مهارتی) در میان زنان سرپرست خانوار نادیده انگاشته شده و یا اقدامات نهادها و سازمان‌های متولی، کم‌رنگ و مقطعی بوده است. زمانی ما می‌توانیم به فکر اشتغال زنان سرپرست خانوار باشیم که پایه‌ها، اصول و شرایط کار کردن و کارآفرینی را فراهم آوریم. بنابراین، زیربنای تمامی مباحث اقتصادی و مشکلات زنان سرپرست خانوار، به عدم اعتماد به نفس آن‌ها و فقدان آموزش‌های اولیه (رسمی و غیررسمی) مربوط می‌باشد.

در عین حال، عاملی با عنوان خودباوری - خوداتکایی یا به عبارتی کارآفرینی از قالب تحلیل عاملی انجام گرفته، رخ نموده است؛ بدین ترتیب که در نتیجه نتایج به دست آمده، ملاحظه شده است که اعتماد به نفس پائین و عدم خودباوری در میان زنان سرپرست خانوار منجر به این شده است که وابستگی اقتصادی آنان به شوهران خود بعد از خودسرپرستی، شرایط اقتصادی بسیار نامناسبی را برای آن‌ها به ارمغان آورد و در نتیجه با هیچ نوع اداره یا سازمانی ارتباط نداشته و از سرمایه و توان اولیه برای خوداشتغالی برخوردار نبوده و حتی روحیه و توان مهارتی لازم برای کارآفرینی یا اشتغال‌زایی نیز نداشته باشند. عامل رفاهی نیز به عنوان عامل چهارم، نشان‌گر این موضوع است که زنان سرپرست خانوار در بدترین شرایط موجود به لحاظ برخورداری از لوازمات اولیه زندگی به سر برده‌اند؛ به طوری که وضعیت مالی و تغذیه مناسب نداشته و به واسطه عدم استطاعت مالی، فرزندان آن‌ها از بسیاری از آموزش‌های رسمی و غیررسمی لازم دور شده‌اند.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان به صورت خلاصه برخی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در بروز مشکلات زنان سرپرست خانوار استان را چنین برشمرد:

الف) فقدان نگرش و دید مثبت برای ازدواج مجدد در میان زنان سرپرست خانوار؛
ب) درگیری پیرامونی با خانواده همسر و خانواده فرزندان ازدواج کرده و رهاشدن زن با کوله‌باری از مشکلات؛
ج) فقدان پشتیبان مالی، عاطفی و روحی برای تداوم زندگی و در نتیجه، پدید آمدن انواع بیماری‌های افسردگی برای این گروه از زنان؛
د) ناامن بودن جامعه و رشد روزافزون نگرانی‌ها و مشکلات خاص زنان سرپرست خانوار؛
هـ) مشکل دسترسی به شغل مناسب با توجه به نداشتن مهارت و مشکلات ارتباطات خاص اجتماعی؛
و) نداشتن مهارت کافی در هماهنگی میان تامین زندگی خانواده با تربیت فرزندان و بروز کاستی‌هایی در تربیت اخلاقی و اجتماعی فرزندان و ناتوانی در حمایت از فرزندان در هنگام بروز مشکلات و کاهش ارتباط درست و مداوم با آنان؛
ز) فقدان سازوکارهای لازم و مناسب حمایتی پایدار از سوی دولت و دستگاه‌های اجرایی کشور.

۶) پیشنهادات

به طور کلی جهت حل مشکلات زنان سرپرست خانوار استان، می‌توان به راهکارهای ذیل اشاره کرد:

الف) فرهنگ‌سازی و آموزش خانواده‌ها جهت حمایت از زنان سرپرست خانوار و دادن مسئولیت به زنان در کنار حمایت‌های پدرشوهر، قیم قانونی و

ب) ایجاد امکانات شغلی و مشاغل متناسب با سنین مختلف زنان، با لحاظ عنوان شرایط خاص خانواده‌های بی‌سرپرست و استعدادیابی زنان به منظور ایجاد اشتغال و کاهش مشکلات اجتماعی و فرهنگی آنان از طریق سرگرمی و پرشدن اوقات فراغت، افزایش اعتماد به نفس، تأمین هزینه زندگی و یا افزایش ذخیره مالی خانواده، و سرانجام

پدید آمدن نشاط زندگی با گروهی هماهنگ در محیط کار؛
(ج) تاسیس مراکز مشاوره و ارائه خدمات فرهنگی، آموزشی و اجتماعی به زنان و اعضای خانواده از طریق مددکاران اجتماعی در استان (چرا که زنان سرپرست خانوار بیش از هر آموزشی، نیاز به تزریق اعتماد به نفس و شناخت توانایی‌ها و قابلیت‌های نهفته خود، و در نتیجه رسیدن به خودباوری دارند).
(د) شناسایی زنان سرپرست خانوار در هر محله از شهر یا روستا و ارائه آموزش‌های لازم در زمینه مهارت‌های خوداشتغالی با در نظر گرفتن دوره‌ها و شیوه‌های آموزشی کارگاهی در قالب عملی و اجرایی در محله‌ها؛
(ه) لزوم شناسایی و آموزش مشاغل خانگی درآمدزا مانند درست کردن انواع ترشی‌جات، غذاهای محلی و دیگر مهارت‌های خاص آشپزی و نیز خیاطی و صنایع دستی در قالب کارگاه‌های خانگی و نیز بنگاه‌های زودبازده و در نتیجه، فروش این محصولات در بازارچه‌های خوداشتغالی در محله‌های شهرها به عنوان عاملی برای جذب گردشگر و حتی صادرات این محصولات با بسته‌بندی‌های مناسب به دیگر شهرهای کشور و یا دیگر کشورهایی که بازار فروش این تولیدات خانگی را دارا می‌باشند.

- باقرزاد، اعظم. (۱۳۷۶)، بررسی وضعیت زنان بی سرپرست شهرستان اردبیل و ارزیابی عملکرد ادارات و ارگان‌های ذیربط در ارائه خدمات فنی به آن‌ها، استانداری اردبیل، کمیسیون امور بانوان.
- خسروی، زهره. (۱۳۸۰)، «بررسی آسیب‌های روانی - اجتماعی زنان سرپرست خانوار»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، ش ۳۹.
- دوست‌محمدی، قدرت‌الله. (۱۳۸۲)، بررسی میزان موفقیت طرح‌های خودکفایی و اشتغال‌زایی کمیته امداد امام خمینی (ره) در ایجاد و تقویت فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان سرپرست خانوار استان سمنان، کمیته بانوان و جوانان، کمیته امداد امام خمینی (ره) استان سمنان.
- رابرتسون، ایان. (۱۳۷۲)، درآمدی بر جامعه با تاکید بر نظریه‌های کارکردگرایی: ستیز و کشش متقابل نمادی (ترجمه حسین بهروان)، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- رضایی، فاطمه. (۱۳۸۱)، بررسی مشکلات اقتصادی - اجتماعی خانواده‌های زن سرپرست تحت پوشش بهزیستی شهرستان خمین، دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی.
- غفاری، مریم. (۱۳۸۲)، «چندتقشی بودن زنان سرپرست خانوار؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه پژوهش زنان، ش ۵.
- مدنی قهفرخی، سعید. (۱۳۸۱)، طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، دفتر بررسی‌های اقتصادی فرهنگی، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- Bianon, L. (1999), **Gender, Psychological Perspective**, Allan & Bacon, Boston.
- Chant, S. (1997), **Women-headed Households: Diversity and Dynamics in the Developing World**. Hound Mills, Basingtoke, McMillan.
- Drucker, Peter F. (1993) **Innovation & Enterpreneueurship**, New York, Library of Congress Cataloging in Publication Data.
- Langlois, J. & Fortin, D. (1994). **Single-parent Mothers, Poverty and Mental Health: A Literature Review**, Sante-mentale-au-qebec.
- Mc Coven, L. (1990). **The Determinate and Consequences of Female-headed Household**, Population Council and International Center for Research on Women.

